



توصیه‌های میرزا جواد آقا ملکی تبریزی برای درک شب قدر

میرزا جواد آقا ملکی تبریزی می‌گوید: برترین شب‌های قدر، شب بیست و سوم رمضان است که «لیله جهنی» نام دارد و آن شبی است که هر آنچه در آن مقدر شود، تغییر نمی‌یابد.

برترین شب‌های قدر شب بیست و سوم رمضان است
توصیه‌های میرزا جواد آقا ملکی تبریزی برای درک شب قدر
میرزا جواد آقا ملکی تبریزی می‌گوید: برترین شب‌های قدر، شب بیست و سوم رمضان است که «لیله جهنی» نام دارد و آن شبی است که هر آنچه در آن مقدر شود، تغییر نمی‌یابد.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه فارس، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی از جمله عارفان و سالکانی است که روز عید قربان 90 سال پیش دار فانی را وداع گفت. وی در کتاب شریف «المراقبات» خود، توصیه‌هایی درباره درک شب قدر دارد که گزیده‌ای از آن برای علاقه‌مندان و مشتاقان در پی می‌آید.

آنچه از برخی روایات ظاهر می‌شود این است: شب قدر مراتبی دارد و شبی است که در قرآن مورد اشاره قرار گرفته است. شبی که آخرین مراتب در آن قطعی می‌شود، به گونه‌ای که تغییر و تبدیل نیابد.

همچنین آنچه از روایات ظاهر می‌شود، این است که برترین شب‌های قدر، شب بیست و سوم رمضان است که «لیله جهنی» نام دارد و آن شبی است که هر آنچه در آن مقدر شود، تغییر نمی‌یابد و به قوت احتمال می‌رود که شب بیست و هفتم نیز از شب‌های قدر باشد و قوی‌ترین قول و روایت آن است که شبی که از هزار ماه برتر است، همان لیله جهنی است.

سپس چیزی که به تصدیق کننده دین و قرآن مبین و روایات حضرت سید المرسلین و خاندان پاک و معصوم او شایسته است، این است که در شب قدر، هر مقدار که بتواند و قادر باشد، کوشش کرده و جدیت خود را زیاد کند، از خداوند متعال ««توفیق دعا» بطلبد که همانا بهترین عمل‌هایی که محبوب خدا بوده و مرضی خاطر اوست برایش روزی کند و آن شب (شب قدر) را برایش از هزار ماه بهتر کرده، اعمالش را از او قبول نموده، در اعلی‌علیین نوشته، تا روز لقاء برایش اضافه کند و در آن شب، او را از مقربان بنویسند و برایش ««معرفت»، ««محبت»، ««قرب»، ««جوار»، ««رضا»، ««خیر» و ««عافیت» نوشته، از او خشنود باشد، رضایتی که پس از آن، تا ابد سخط و غضبی نباشد و پیامبر و امامان را از او راضی کند به ویژه امام زمان عجل‌الله فرجه الشریف و از خداوند بخواهد که او را با آنها در مجلس صدق در بارگاه ملیک مقتدر جمع نموده، توفیق کوشش در راه طاعت و تحصیل رضایت خودش را به وی عطا کرده، عاقبت امرش را قرب و رضای خود قرار دهد، ان شاء الله.

همچنین از وجوه کوشیدن به عبادت آن است که مقدمات عبادت این شب را برای خود حاصل کند. به عنوان مثال، در طول سال، جای مناسب، جامه مناسب و بوی خوب برای آن شب آماده کند و نیز چیزی که آن شب صدقه دهد و نیز مضمون‌های لطیف برای مناجات با پروردگار متعال و کلمات مهیج برای سخن گفتن با امامان و حامیان آن شب و نیز مهمان‌های خاص و مناسب و فقیرانی ویژه برای صدقه دادن در آن شب در نظر بگیرد و برایشان احسان کند.

این بنده چنین گمان می‌کنم که اگر یکی از شاهان دنیا، شخصی را در روزی مخصوص به مهمانی خود دعوت کرده و فرستاده‌ای کریم را به نزد او فرستاده، در دعوتش، به مقداری از این لطف‌هایی که ««ملک الملوک» به او داده، و خلعت‌هایی فاخر و املاکی وسیع و فرمان‌های حکومت و سلطنت و همنشینی با اعیان و اشراف و شاهان و شاهزادگان را به او وعده داده و گفته باشد هر اندازه مهمان دعوت شده در عمل و اظهار ادب خود در مجلس سلطان اضافه نموده و به جزئیات مراقبت‌های خود کوشش به خرج دهد، شاه در اکرام و احسان او بی حد و حساب عمل خواهد کرد، این چنین مهمانی، از شوق رسیدن به آن اکرام‌ها از دنیا رفته برای آراستن خود به منظور حضور در آن مجلس شریف، خود را به هلاکت خواهد رساند، و هر اندازه در توانش باشد، اهتمام خواهد ورزید و در طول سالش و در همه حالاتش - از روی کسب آمادگی و مسرت - جدیت کرده و برای تحصیل لوازم تشریف به آن مقام بزرگ که حضور سلطان است، تمام کوشش‌های خود را به کار خواهد بست، تا به آن حد که همه سعی پیشگان از انجام مثل آن عاجز شوند.

آری، او در مراقبه‌اش برای درک آن ساعت، به هر وسیله و مستمسکی، تمسک و توسل جسته و همه را متحیر نموده، برای کسب آداب حضور در آن مجلس، روشی را پیشه خواهد کرد که همه اهل ادب از آن ادب بیاموزند و به سبب آن ادب‌ها، هر حبیبی از حبیب خود خشنود خواهد شد.

پس، ای دارنده عقل! چگونه خواهد بود حال تو زمانی که شاه شاهان و پروردگار عالمیان و فرمان فرمای زمین‌ها و آسمان‌ها، تو را به مهمانی خود خوانده و به منظور دعوت تو، فرشته‌ها و پیامبران و فرستادگان و سید و سرور عالمیان را به نزد تو فرستاده و توسط جانشینان معصوم او، دعوتش را موکد نموده باشد و اضافه بر این، هر شب توسط فرشتگانش با دعوت‌های خاص و لطف‌های مخصوص خود تو را اکرام نموده و به سبب اخلاصی که یک شب از تو ظاهر شود، نعیم همیشگی برایت وعده داده است: لاین رأی و لا اذن سمعت و لا خطر علی قلب بشر.

نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه به قلب بشری خطور کرده است و از «#نور«، «#بهاء«، «#سرور«، «#ملک«، «#سلطنت«، «#خوشی« و «#سعادت«، آن اندازه برایت فراهم کرده که عقل تو از تصویر و تصور جزئی از اجزای آن متحیر شده و مدهوش می‌شود، و از برکت‌های قرب و جوار و لقای خود، چیزی را که عقل عاقلان و فهم عالمان و وهم حکیمان نمی‌تواند آن را تحمل کند.

با این وجود، ای برادر من! آیا برای تو شایسته نیست در کسب آمادگی برای حضور در این مجلس، آن اندازه که بایسته‌اش است، کوشش کنی تا هر گاه به آن دست یافتی، رستگار شوی و هر گاه به سبب غفلت از تو فوت شد و از کفت بیرون رفت، از زیان‌کاران محسوب شوی؟ پس، ای مسکین بینوا! خودت انصاف بده: آیا در خصوص دعایی که می‌خوانی ولی قلبت با آن همراه نیست، رضا می‌دهی که آن به سوی خدا بالا برود، خود می‌بینی که زبانت «#او« را می‌خواند، ولی قلبت دنیایی را خطاب قرار می‌دهد که در خصوص آن فرموده‌اند: آن (دنیا) دشمن خدا و اولیای اوست. و آن (دنیا) چنین می‌خواهد که تو را به وسیله همین ظواهر فانی، از خداوند باقی دور کند. پس آیا برای عاقل مصیبتی بزرگ‌تر از این می‌توان تصور کرد؟